

**معناباختگی رویای امریکایی در دو
نمایشنامه‌ی آلیس کوچولو و مرگ بسی اسمیت
از آثار ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه جورج هربرت مید**

مینا جهانگیری
فاضل اسدی امجد
علیرضا امیدبخش

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۶
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۰۷

معناباختگی رویای امریکایی در دو نمایشنامه‌ی آلیس کوچولو و مرگ بسی اسمیت از آثار ادوارد آلبی با تکیه بر نظریه جورج هربرت مید

مینا جهانگیری

دانش آموخته دکترای زبان و ادبیات انگلیسی، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران

فاضل اسدی امجد

استاد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه خوارزمی، تهران

علیرضا امیدبخش

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

این مقاله از پایان‌نامه‌ی دکترای مینا جهانگیری با موضوع «مطالعه‌ای بر نمایشنامه‌های منتخب ادوارد آلبی با تکیه بر نظریه‌ی کنش متقابل نمادین جورج هربرت مید و هربرت بلومر» به راهنمایی دکتر فاضل اسدی‌امجد و مشاوره‌ی دکتر علیرضا امیدبخش استخراج شده است.

چکیده

ادوارد آلبی (۱۹۲۸-۲۰۱۶) یکی از نمایشنامه‌نویسان صاحب سبک امریکا (باتمز، ۲۰۰۵: ۸) در قرن بیستم است. وی در بیشتر آثارش به مسئله‌ی رویای امریکایی^۱ و تغییرات آن اشاره می‌کند. رویایی که به مثابه‌ی باوری ملی، ریشه در آموزه‌های فرهنگی - اجتماعی خاص جامعه‌ی امریکا دارد اما دچار معنا باختگی شده‌است. محققان قصد دارند ریشه‌ی این انحراف را در بطن جامعه‌ی پرتناقض امریکایی با عطف به رویکرد نظری جورج هربرت مید در قالب اثرگذاری قوانین و الگوهای دیگری تعمیم یافته جامعه به شکل مجموعه‌ی سازمان یافته از نگرش‌های ذهنی افراد، مورد مطالعه و کاوش قرار دهند. روش تحقیق در این مقاله، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت دار است. پرسش اصلی پژوهش این است که معنا باختگی رویای امریکایی در این دو نمایشنامه‌ی آلبی چگونه اتفاق می‌افتد؟ نمایشنامه‌های آلیس کوچولو^۲، مرگ بسی اسمیت^۳ در این مطالعه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: آلیس کوچولو، مرگ بسی اسمیت، ادوارد آلبی، جورج هربرت مید، رویای امریکایی، دیگری تعمیم یافته

ادوارد آلبی یکی از نمایشنامه‌نویسان صاحب سبک معاصر آمریکا است که حتی در ابزوردترین آثارش نیز هرگز به رئالیسم اجتماعی و تاثیر عوامل اجتماعی بر روند باورپذیری در فرد بی توجه نبوده‌است. از میان درون‌مایه‌هایی که در آثار نمایشی او بارها مورد توجه قرار گرفته، رویای امریکایی است. رویای امریکایی به عنوان باوری ملی در ایالات متحده که ریشه در آموزه‌های فرهنگی - اجتماعی خاص جامعه آمریکا دارد، آزادی را زمینه‌ساز ترکیبی از کامیابی و موفقیت می‌داند. بنا بر تعریف جیمز تراسلو آدامز از رویای امریکایی «زندگی هر شخص باید با فرصت‌هایی که به او بنا بر قابلیت‌ها یا موفقیت‌هایش و فارق از طبقه اجتماعی یا شرایط زاده‌شدنش داده می‌شود بهتر، غنی‌تر و کامل‌تر شود» (آدامز، ۱۹۳۱: ۴۰۴). این باور در شکل اصیل خود تداعی‌گر انسانی است که همواره در تلاشی بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر به دنبال برداشتن موانع و تلاش برای دستیابی به آرمان‌هایش است. ریشه‌های رویای امریکایی را باید در اعلامیه‌ی استقلال ایالات متحده جست؛ آنجا که قویاً اظهار می‌دارد «همه‌ی انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند» و اینکه «آفریدگارشان حقوق سلب‌نشده‌ی معینی به آن‌ها اعطا کرده‌است که حق زندگی، آزادی و جست‌وجوی خوشبختی از جمله آن‌هاست» (همان). براساس نظر آدامز بارزترین مؤلفه‌های رویای امریکایی عبارتند از: «آزادی، برابری، حق انتخاب، کرامت انسانی» (همان). اما آلبی وضعیت زندگی شهروند امریکایی را در نیمه دوم قرن بیست فاقد اساسی‌ترین مؤلفه‌های رویای امریکایی می‌بیند و آن را بسان کلیشه‌ی فرهنگی در نظر می‌گیرد که در سایه‌ی نظام درهم‌تنیده‌ی از عوامل اجتماعی دچار تغییر و حتی می‌توان گفت دچار معنابخستگی شده‌باشد. رویای امریکایی که در آثار آلبی دیده می‌شود تمثیلی از امریکایی است که از آرمان فرهنگی خود منحرف شده‌است. آلبی برجسته‌ترین علل این انحراف را نابرابری مدنی، نادیده‌انگاشتن دموکراسی توسط عوامل قدرت و ثروت، فساد، مشکلات و تناقضات جامعه آمریکایی می‌داند و پادفرهنگی^۴ که بعد از دهه‌ی ۱۹۵۰ در اشکال گوناگون (مانند جنبش حقوق مدنی امریکایی‌های افریقایی تبار (۱۹۶۸-۱۹۵۵)، بروز تنش‌های شدید اجتماعی همچون تقابل نسل جدید و قدیم، ظهور سبک‌های زندگی نامتعارف، پافشاری بر حقوق زنان، انقلاب جنسی، تفسیرهای رنگارنگ از رویای امریکایی و غیره) بروز می‌کند را از مصادیق پاسخ‌توده‌های کنشگر جامعه به وضعیت معنابخسته‌ی این باور ملی تفسیر می‌کند. هرچند در نقطه‌ی مقابل این نیروهای فعال و کنشگر اجتماعی، آلبی افرادی را نیز به تصویر می‌کشد که به بهره‌گیری از «ارزش‌های ظاهری، سطحی و مادی» (باتمز، ۲۰۰۵: ۱۶) نهفته در شکل معنابخسته‌ی رویای امریکایی دل خوش می‌دارند. او تلاش می‌کند از طریق آثار نمایشی خود، تاثیرات مخرب معنابخستگی رویای امریکایی را گوشزد کند و آن را عامل پیدایش بحران هویت، توهم‌زدگی فردی - اجتماعی و سرخوردگی قلمداد کند. نمایش‌های آلبی البته بر تکاپوی بی‌امان آن دسته از شخصیت‌های کنشگری متمرکز می‌شود که تصمیم می‌گیرند در مقابل اصول و ارزش‌ها متظاهرانه (یا به عبارتی توهم‌های اجتماعی مشترک و جمعی که بازتاب کژفهمی اسطوره فرهنگی - اجتماعی رویای امریکایی است) برخوردی انفعالی داشته‌باشند. از میان بالغ بر سی اثر نمایشی ادوارد آلبی که هر یک از منظر ویژه‌ای وضعیت فرد و جامعه‌ی آمریکا را در بازه‌ی زمانی به گستردگی نیم قرن (یعنی از دهه ۱۹۵۰ تا سال‌های آغازین ۲۰۰۰) منعکس می‌کنند، دو نمایشنامه‌ی آلیس کوچولو و مرگ بسی اسمیت به این دو دلیل انتخاب شدند: ۱) دو نمایشنامه‌ی مذکور به شکل مشهودتری نسبت به سایر نمایشنامه‌های آلبی بر روند معنابخستگی رویای امریکایی تحت‌تأثیر تداخل‌های اجتماعی

معنابخستگی
روای امریکایی
در دو
نمایشنامه‌ی
آلیس کوچولو
و مرگ بسی
اسمیت از آثار
ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه
جورج هربرت
مید

می‌پردازند که از طریق رویکرد نظری جورج هربرت مید در خصوص تاثیرپذیری فرد از الگوهای اجتماعی قابل تفسیر است. ۲) متن دو نمایشنامه یاد شده، بیش از سایر نمایشنامه‌های ادوارد آلبی بر کنشگری فعال فرد در برابر امر اجتماعی و الگوهای تعمیم‌یافته‌ی جامعه متمرکز می‌شود که این مسئله نیز در بخش مربوط به وجود خود پویا و نیروی تحول‌خواه من‌فاعلی مید در مبارزه با شکل معنا‌باخته‌ی رویای امریکایی قابل تحلیل است.

– پرسش‌هایی که در این تحقیق مدنظر هستند، عبارتند از:

۱. معنا‌باختگی رویای امریکایی در نمایشنامه‌های آلیس کوچولو و مرگ بسی اسمیت چگونه اتفاق می‌افتد؟

۲. معنا‌باختگی رویای امریکایی چه تاثیراتی بر آگاهی شخصیت‌ها دارد؟

– فرضیه‌های این تحقیق به شرح زیر هستند:

۱. قوانین و الگوهای دیگری تعمیم‌یافته جامعه در رواج وضعیت معنا‌باخته‌ی رویای امریکایی در دو نمایشنامه‌ی آلیس کوچولو و مرگ بسی اسمیت تاثیر مثبت و مستقیمی دارند. ۲. معنا‌باختگی رویای امریکایی در نگرش‌های شخصیت‌ها تاثیرات مخربی بر جای می‌گذارد.

در این مقاله به بررسی پدیده معنا‌باختگی رویایی امریکایی مدنظر آلبی با توجه به مشخصه‌های اجتماعی و فرهنگی شخصیت‌های درگیر در موقعیت‌های این دو نمایشنامه می‌پردازیم. در بازنمایی مسائل گوناگون معنا‌باختگی رویای امریکایی، از تجربه‌های زندگی شخصیت‌ها، نقش‌های اجتماعی، تجربه‌های فردی و نسبت‌های ذهنی و نسبت بین افراد و سطح درک آن‌ها از باورهای ملی امریکایی توانسته‌ایم به بازتعریف رفتارها، آداب، نیت‌مندی کنش‌ها، تجارب روزمره و بازنمایی هویت‌ها بپردازیم. همچنین رابطه‌ی نظام اجتماعی امریکا با معنا‌باختگی رویای امریکایی آلبی را بسنجیم. نویسندگان بدین‌منظور، از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار استفاده کرده‌اند.

روش پژوهش

در این مطالعه، برای بررسی معنا‌باختگی رویای امریکایی تحت رویکرد جامعه‌شناختی هربرت مید، از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار^۵ استفاده شده‌است با این اصل که روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار که مبتنی بر نظریه است برای دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب مناسب به‌نظر می‌رسد. بنابراین، هدف از انتخاب این روش را می‌توان از یکسو در کارآمدی و از سوی دیگر در ساختارمندی آن در کشف رابطه‌ی میان محتوا و جامعه دانست. به‌نظر می‌رسد تحلیل محتوای کیفی در اینجا روش تحقیقی مناسب برای تفسیر محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای نظام‌مند کدبندی، مقوله و تم‌سازی است. عینیت نتایج نیز به وسیله‌ی وجود فرایند کدبندی نظام‌مند داده‌های متنی که از متن استخراج می‌شوند، تضمین می‌شود. این نوع تحلیل محتوای کیفی با کشف معانی بنیادین پیام سروکار داشته و استقرایی است یعنی مبتنی بر بررسی و استنتاج موضوع‌ها و تم‌ها از داده‌های خام است. فرایند انجام کار در اینجا شش مرحله را در بر می‌گیرد که عبارتند از: ۱) تنظیم پرسش‌های تحقیق (۲) برگزیدن نمونه یا نمونه‌های موردنظر که در اینجا دو اثرنمایشی است (۳) مشخص کردن رویکرد نظری که در اینجا نظریه جورج هربرت مید درباره خود، ذهن و جامعه است (۴) طرح‌ریزی فرایند رمزگذاری (۵) تحلیل نتایج حاصل از فرایند رمزگذاری.

دلیل انتخاب این دو نمایشنامه در بررسی معنا‌باختگی رویای امریکایی با تکیه بر رویکرد

مید، به این خاطر است که به نظر می‌رسد محتوای نمایشنامه‌ها این مزیت را دارد که در برابر کاوشگر واکنش نمی‌دهد، از بین نمی‌رود و به عنوان منبع دست اول اطلاعات درخور توجه‌اند. برای تحلیل محتوای کیفی نمایشنامه‌ها، ساختار روایی کلیت نمایشنامه‌ها در نظر گرفته می‌شود، اما از آنجا که هدف اصلی، تحلیل معنا‌باختگی رویای امریکایی است، با یک جمع‌بندی تحلیلی در این راستا در مجموعه آثار آلبی به دو نمایشنامه به صورت تصادفی پرداخته می‌شود. تحلیل نمایشنامه‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار در مطالعات اجتماعی، در سه مرحله توصیف، تحلیل و مقایسه تم‌های مرکزی با یکدیگر صورت می‌گیرد. به این ترتیب، در سطح توصیف عناصر و درون‌مایه‌های اصلی که تحلیل براساس آن صورت می‌گیرد، گزارش و توصیف می‌شوند. در مرحله اول (سطح توصیف) به متن نمایشنامه به صورت سطحی محدود نمی‌شویم بلکه از عناصر نشانه‌ای که در متن مندرج است بهره می‌گیریم. در مرحله دوم (سطح تحلیل)، درون‌مایه‌های مرکزی متن را برجسته کرده و متن را از نو بر مبنای بستر نظری مورد نظر (دیگری تعمیم یافته) تحلیل می‌کنیم. در نهایت، مجموعه‌ی این درون‌مایه‌ها را در دو نمایشنامه‌ی **آلیس کوچولو** و **مرگ بسی اسمیت** با یکدیگر مقایسه می‌کنیم و با تأمل در مشابهت و تفاوت‌های درون‌متنی و بین‌متنی، نتیجه نهایی را به دست می‌آوریم.

پیشینه تحقیق

روند رو به رشد شناخت آثار نمایشی آلبی در ایران، خصوصاً در سال‌های اخیر، بیشتر به واسطه‌ی ترجمه‌های انجام‌شده از نمایشنامه‌های او، پایان‌نامه‌های دانشجویی و مقالات بوده است. در ایران تحقیقاتی از نوع پایان‌نامه‌های دانشجویی روی برخی از آثار آلبی انجام شده که بیشتر به ویژگی‌های ایزوردی آثار او، جنبه‌های اگزیستانسیالیسمی و اسطوره‌شناختی پرداخته‌اند. از این میان داریوش فیض‌نژاد در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان **روایه‌های اخلاقی: سنت نمایشنامه‌ی اخلاقی در سه اثر ادوارد آلبی (روایای امریکایی، آلیس کوچولو و چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟)** (۱۳۷۸) در یک بررسی کلی به قیاس این سه اثر از نظر شکل و محتوای با نمایش‌های اخلاقی قرون وسطی پرداخته است. او وجه مشترک این آثار را انعکاس مصیبت انسانی می‌بیند و ریشه این مصیبت را نیز در واژگونی ارزش‌ها و حقایق و ناتوانی در رویارویی شخصیت‌ها با ضعف‌های خود و متعاقباً پناه بردن به توهم در نظر می‌گیرد. برداشت او این است که نمایشنامه‌های آلبی از بعد ساختاری به‌خاطر به‌کارگیری شخصیت‌های تمثیلی و انعکاس شرایط زمانی و مکانی جهان‌شمول با نمایشنامه‌های اخلاقی قرون وسطی مشابه هستند. اما تنها تحقیق انجام‌شده از بعد اجتماعی روی آثار آلبی را مونا هوروش در پایان‌نامه‌ی دکترای خود با عنوان **بازنمایی زنان در نمایشنامه‌های ادوارد آلبی** و مقاله‌ای با همین نام انجام داده و در آن به بررسی برخی از شخصیت‌های زن در بعضی آثار آلبی از جمله شخصیت پرستار در نمایشنامه‌ی **مرگ بسی اسمیت** و شخصیت آلیس در نمایشنامه‌ی **آلیس کوچولو** پرداخته است (هوروش، ۲۰۱۲: ۵). با توجه به اینکه آثار آلبی انعکاس‌دهنده‌ی مسائل و پیچیدگی‌های اجتماعی منحصر به فرد جامعه امریکا و تأثیر آن‌ها بر روند شکل‌گیری آگاهی در افراد است، به نظر می‌رسد می‌توان با تکیه بر رویکردها و تئوری‌های اندیشمندانمانند می‌د که از این بافت فرهنگی و اجتماعی سربرآوردند به تحلیل این آثار پرداخت.

تالیفات و مطالعاتی که تاکنون در ایران پیرامون نظریات می‌د انجام شده نیز بیشتر در قالب بخش‌هایی توصیفی-تحلیلی از کتاب‌هایی در حیطه تئوری‌های جامعه‌شناسی بوده است و

معنا‌باختگی
روایای امریکایی
در دو
نمایشنامه‌ی
آلیس کوچولو
و مرگ بسی
اسمیت از آثار
ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه
جورج هربرت
می‌د

یا به شکل مقالاتی بوده که به تشریح بخشی از نظرات وی، تاثیرپذیری آن‌ها از پیشینیان و تاثیرگذاری‌شان بر روی متفکران پس از او پرداخته‌اند. از جمله حسین ابوالحسن تنهایی در بخشی از کتاب خود با عنوان **درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی** (۱۳۷۷) به بحث پیرامون نظریه‌های مید پرداخته و بر این باور است که مید با طرحی از یک جامعه سالم، سعی کرده مراحل رشد فرد و جامعه را از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین حالت آن توضیح دهد. تقی آزاد ارمکی نیز در بخشی از کتاب خود با عنوان **نظریه‌های جامعه‌شناسی** (۱۳۸۶) به استفاده مید از پراگماتیسم متمرکز می‌شود و عقیده دارد مید مفاهیمی مانند ذهن و فکر را بر پایه‌های زیستی، روانی و اجتماعی تشریح کرده‌است. سیدمحمدامین قانع‌راد در مقاله‌ی خود با عنوان «جورج هربرت مید: پست‌مدرنی در آغاز راه» سعی کرده به شیوه‌ای تحلیلی - مقایسه‌ای به تبیین شباهت‌های موجود در آراء مید و اندیشه‌های پسااستخارگرایان بپردازد (۱۳۹۲: ۲۸). او با شیوه‌ای نوین ضمن تلاش برای خوانش مجدد پراگماتیسم مید نشان می‌دهد که بسیاری از موضوعاتی که بعدها پست‌مدرنیست‌ها مطرح کردند در آراء مید پیش‌بینی شده‌بود. مهدی سلطانی و حمید پارسانیا در مقاله‌ی خود با عنوان «بازخوانی انتقادی عمل‌گرایی اجتماعی جورج هربرت مید بر مبنای حکمت متعالیه» با روشی تحلیلی - توصیفی به‌صورت‌بندی مبنای‌ای مانند درون‌ذات‌بودگی وجود، حرکت جوهری، خود و امثال آن که از پیش‌فرض‌های ورود به بینش مید است، پرداخته‌اند و آن‌ها را براساس حکمت متعالیه مورد نقد و ارزیابی قرار داده‌اند (۱۳۷۵: ۱۳۷). باوجود مطلوب‌بودن مقالات و تالیفاتی از این دست، آنچه به‌صورت کاستی در این‌گونه پژوهش‌ها دیده می‌شود تکرار مطالبی کم‌وبیش مشابه در اکثریت قریب‌به‌اتفاق آن‌ها و شیوه‌ی کمابیش توصیفی‌شان است. با وجود اهمیت نظریه‌ی مید در جامعه‌شناسی، مطالعه‌ی کاربردی با استفاده از نظریات او انجام نشده‌است. با توجه به فقدان مطالعات کاربردی که به‌صورت کمبود در تحقیقات انجام‌شده به بخشی از آن‌ها اشاره شد، انجام این تحقیق از سه جهت دارای اهمیت است و درواقع جنبه‌ی نوآوری این پژوهش بدین دلایل است:

- نخست: تاکنون مطالعه‌ای درباره‌ی امکان بررسی آراء مید در آثار نمایشی انجام نشده‌است.
- دوم: تاکنون مطالعه‌ی روان‌شناسی اجتماعی با تمرکز ویژه بر آراء یک نظریه‌پرداز روان‌شناسی اجتماعی روی آثار آلبی انجام نشده‌است. در نتیجه، از خلال این بررسی، دامنه‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای میان جامعه‌شناسی و ادبیات نمایشی نیز گسترش می‌یابد.
- سوم: نوآوری برجسته‌ی تحقیق پیش‌رو از حیث به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار در بررسی نمایشنامه است.

بر مبنای عوامل ذکر شده، این پژوهش برای سه گروه کاربرد دارد:
- گروه اول، پژوهشگرانی که علاقه‌مند به انجام مطالعات میان‌رشته‌ای خصوصاً در حوزه‌های جامعه‌شناسی و ادبیات نمایشی هستند.
- گروه دوم، محققانی که خواهان به دست‌آوردن درک کاربردی از نظریات جامعه‌شناسی و فهم نظریه بنیان آثار نمایشی هستند.

- گروه سوم، کسانی که به دنبال مطالعه‌ای موردی از نحوه‌ی کاربرد روش تحلیل محتوا در مطالعات کیفی هستند آن هم به لحاظ ابهاماتی که گاه به‌خاطر کم‌بودن تعداد مقالات تحلیل محتوای کیفی وجود دارد. از این رو، تحقیق حاضر گامی کوچک در راستای برطرف کردن ابهامات در خصوص نحوه‌ی استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت‌دار برداشته است.

از جمله جامعه‌شناسانی که در حوزه جامعه‌شناسی خرد تاثیر بسزایی داشت، جورج هربرت مید^۶ (۱۸۶۳-۱۹۳۱) فیلسوف، روان‌شناس و متفکر علوم اجتماعی بود (بلدوین، ۱۹۸۶: ۴۳). مید از جمله پیشگامان روان‌شناسی اجتماعی بود که «فعالیت یا رفتار فرد را در چهارچوب فراگرد اجتماعی بررسی می‌کرد. برخلاف روان‌شناسی اجتماعی اولیه که از دیدگاه روان‌شناسی فردی به تجربه اجتماعی می‌پرداخت، مید معتقد بود تجربه فردی را باید از دیدگاه جامعه یا دست‌کم از دیدگاه ارتباطاتی که برای سامان اجتماعی ضروری‌اند مورد بررسی قرار داد» (ریترز، ۱۳۷۷: ۴۴۴). مید نشان داد که چگونه فرایندهای ذهنی انسان بخشی از فرایند وسیع‌تر اجتماعی است (بلومر، ۱۹۶۹: ۵۸).

او تمرکز زیادی روی سه مفهوم پایه‌ای ذهن، خود و جامعه داشت.

۱- جامعه. جامعه به عنوان یک پدیده‌ی ساختارمند نه تنها بستری برای تعاملات افراد محسوب می‌شود بلکه زمینه‌ای است که ذهن و خود اجتماعی آن‌ها در آن شکل گرفته و به تدریج تکامل می‌یابد (بلاندن، ۲۰۱۳، ۳۷۴). جامعه و ارتباطات اجتماعی به عنوان منشاء شکل‌گیری معنا هستند (اسنو، ۲۰۰۱: ۳۶۷).

۲- ذهن. ذهن در نظریه مید وضعیتی پویا دارد بدین شکل که با قدرت تفسیرگری خود می‌تواند در فرایند درونی‌کردن معنا یا ایجاد تغییر در معنا تاثیر بگذارد. برخلاف دیدگاه پدیدارشناسی محض، مید ذهن را در آگاهی^۷ قرار داد و در عوض آن را در تجربه اجتماعی و فرایند اجتماعی زیسته قرار داد.

۳- خود^۸. خود مفهوم مهم دیگر مرتبط با ذهن است که از نظر مید دارای دو جنبه است: من‌فاعلی^۹ و من‌مفعولی^{۱۰}. من‌فاعلی «رفتارها و عکس‌العمل‌های یک‌مرتبه و واکنش‌های آنی، خود به خودی و غیرسازماندهی شده‌ی فرد هستند که فردیت و نوآوری را نیز در او به همراه دارند» (مید، ۱۹۳۴: ۱۷۵). من‌فاعلی مظهر موجود زیستی و به‌دنبال ارضاء خود و محرک طبیعی فرد است. درحالی‌که من‌مفعولی «جنبه‌ی سازمان‌یافته خود محسوب می‌شود که عمدتاً در تعامل فرد با دیگران آموخته‌شده، در رعایت هنجارهای اجتماعی بروز می‌کند و رفتار فرد را به شکل اجتماعی شده نشان می‌داد» (همان، ۱۷۹). من‌مفعولی جلوه‌گر جنبه‌های تأثیرپذیر فرد و انعکاساتی است که در مقابل تاثیر عوامل خارجی پدید آمده است. من‌مفعولی که جنبه مفعولی منش انسان است انتظارات سایرین را می‌شناسد و خواست‌های فرد را با توجه به واقعیات موجود تحقق می‌بخشد.

نکته: روشن است که پذیرفتن من‌فاعلی و من‌مفعولی تلویحاً به دو نکته می‌انجامد: اول) با پذیرفتن من‌مفعولی بر کنش متقابل میان کنشگر و جهان پیرامونی او تاکید می‌شود. دوم) با پذیرفتن من‌فاعلی نه تنها به ارتباط کنشگر و جهان به عنوان فراگردهای پویا و نه ساختارهای ایستا تاکید می‌شود بلکه بر توانایی تغییر جهان اجتماعی از سوی کنشگر صحه گذاشته می‌شود. از دیگر مفاهیم پایه‌ای در نظریه مید می‌توان به نقش‌بازی کردن^{۱۱}، نقش‌پذیری^{۱۲}، دیگری‌تعمیم یافته^{۱۳} اشاره کرد که هر کدام به اختصار توضیح داده می‌شوند.

۴- نقش‌بازی کردن و نقش‌پذیری. با در نظر گرفتن ماهیتی پویا برای خود، مید زمان پیدایش و تکامل خود را از کودکی، یعنی دوران اولیه اجتماعی شدن فرد و از طریق تعامل او با دیگران پیرامونی‌اش در قالب نقش‌بازی کردن ساده می‌بیند و به تدریج می‌آموزد که در این نقش‌بازی کردن و پس از آن نقش‌برعهده‌گرفتن است که او می‌تواند زاویه‌ی دید، نقطه‌نظرات و حتی عکس‌العمل‌های احتمالی دیگران را نیز پیش‌بینی کرده و پس از تفسیر آن‌ها، به

معنابخشی
رویای امریکایی
در دو
نمایشنامه‌ی
آلیس کوچولو
و مرگ بسی
اسمیت از آثار
ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه
جورج هربرت
مید

ارائه‌ی عکس‌العملی متناسب اقدام نمایند» (بلومر، ۱۹۶۹: ۶۲). شرکت در بازی‌های گروهی با همسالان و پیروی از قوانین آن‌ها نشان از اهمیت این مرحله از اجتماعی شدن می‌دهد که منجر به ایفای نقش‌های پیچیده‌تر اجتماعی در آینده می‌شود. این دو مرحله مقدمه‌ی ورود به مرحله‌ی مهمی در روند اجتماعی شدن فرد هستند که مید از آن با عنوان دیگری تعمیم‌یافته یاد می‌کند.

۵- دیگری تعمیم‌یافته. به «مجموعه‌ی نگرش‌های جمعی و سازمانده‌ی شده، الگوهای کلی، انتظارات و استانداردها» (سوبروال، ۲۰۰۹: ۹) اشاره دارد که در ارتباط با «سیستم‌ها یا گروه‌های پیچیده‌تر اجتماعی شکل می‌گیرد. در واقع، دیگری تعمیم‌یافته نگرش‌های سازمان‌یافته و عمومی و معیارهایی است که فرد با ارجاع به آن می‌تواند رفتار خود را ارزیابی کند» (مید، ۱۹۳۴: ۱۹۵). رشد این مرحله را می‌توان در گرایش فرد به مطابقت‌دادن رفتار خود با اصول و الگوهای از پیش تعریف‌شده دید. از نظر مید هنگامی که دیگری تعمیم‌یافته در فرد درونی می‌شود، «او رفتارهای خود را از طریق لنز جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند مشاهده کرده و اعمال و سخنان خود را بر مبنای الگوهای هنجاری و استانداردهای تعیین‌شده به وسیله جامعه ارزیابی می‌کند» (همان: ۲۵۵).

از طریق معرفی این مراحل، خصوصاً دیگری تعمیم‌یافته بود که مید به تعریف خود اجتماعی فرد به عنوان عامل ارتباط‌دهنده‌ی دنیای ذهنی او با زمینه‌ی اجتماعی که در آن زندگی می‌کند پرداخت. در اینجا ذکر یک نکته‌ی دیگر اهمیت دارد و آن اینکه مید بین فرد و جامعه رابطه‌ای دوسویه می‌دید؛ بدان معنا نه تنها جامعه می‌تواند با استفاده از آن بخش از خود که من‌مفعولی گفته‌می‌شود تا حد قابل ملاحظه‌ای فرد را کنترل کند بلکه فرد نیز ممکن است بتواند با تکیه بر نیروی انفعالی من‌فاعلی‌اش عامل ایجاد دگرگونی‌هایی در جامعه شود. نکته‌ی قابل استنباط این است که جامعه همواره تلاش می‌کند با ارائه‌ی الگوها، اصول و ارزش‌ها خود افراد را مقهور کرده و اراده‌های آن‌ها را تحت کنترل درآورد. به نظر می‌رسد جامعه این عمل را با استفاده از «کنترل من‌مفعولی فرد به عنوان یک نیروی درونی در او انجام می‌دهد یا با کنترل بیرونی او از طریق نهادهای اجتماعی که در آن‌ها شرکت می‌کند» انجام می‌دهد. در اینجا مید نهادها را به عنوان «عکس‌العمل مشترک اجتماع» یا «عادت‌های زندگی اجتماع» تعریف می‌کند (مید، ۱۹۳۴: ۲۶۴-۲۶۱). بنابراین، «نهادها به عنوان ابزاری در خدمت جامعه در نظر گرفته می‌شوند که کمک می‌کنند قوانین و الگوهای دیگری تعمیم‌یافته‌ی جامعه به شکل مجموعه‌ی سازمان‌یافته از نگرش‌های پیرامونی به ذهن فرد راه پیدا کنند و به صورت گسترده با کنترل من‌مفعولی افراد به کنترل رفتارهای آن‌ها پردازند» (ریترز، ۲۰۱۱: ۳۶۸). جامعه از این نهادهای تاثیرگذار استفاده می‌کند برای اینکه تعیین کند افراد چگونه باید رفتار کنند تا به عنوان خودسازمان‌یافته یا به عبارت دیگر شهروندی ایده‌آل در نظر گرفته‌شود. در بخش بعد، با عطف به رویکرد نظری مید به انتخاب و تحلیل بخش‌هایی از دو نمایشنامه‌ی **آلیس کوچولو و مرگ بسی اسمیت** به صورت هدفمند و براساس نیاز پژوهشگر پرداخته می‌شود.

بحث و بررسی

در **آلیس کوچولو** (۱۹۶۴) که یک نمایشنامه‌ی سیاسی-اجتماعی است، آلبی به شکل نمادین به واکاوی روند معنا‌بخستگی رویای امریکایی در قالب از بین رفتن آزادی فرد در انتخاب رویه زندگی و حق داشتن باورهای فردی حتی باوجود ناهمسویی این باورها با قوانین، اصول و الگوهای سازمان‌یافته‌ی اجتماعی می‌پردازد. اما مسئله‌ای که مخاطب را وامی‌دارد تا از

طریق این اثر بر آن تمرکز کند، مقابله‌ی بی‌محابای گروهی است که به شکلی سازمان یافته و منسجم و با تکیه بر قدرت نهادهای مدنی و مذهبی تلاش می‌کنند انتزاعات ذهنی که قهرمان، باور بدان‌ها را مایه‌ی آرامش و کامیابی خود می‌داند دچار معنا‌باختگی تدریجی کنند. گویی آلبی در این اثر به دنبال آن است که نشان دهد برخلاف بینش دموکراتیک حاکم بر پیکره‌ی ارزشی جامعه امریکا که می‌گوید افراد باید نوع رفتار حکومت را تعیین کنند، این نهادهای حکومتی هستند که تفکر و رفتار افراد را جهت‌دهی می‌کنند. آنچه در این اثر نمایشی ارائه می‌شود، پرتره‌ی شهروندی است که در عمل، حق دفاع از اندیشه خود را ندارد و رجحان جامعه در مطیع ساختن و تلفیق فکری او با موج فکری غالب در جامعه است. جامعه در اینجا می‌کوشد قدرت کنشگری فعال را از او سلب کند و او را در انقیاد خویش درآورد و این کار را از طریق اعطای اختیار، قدرت و ثروت به نهادها، گروه‌ها و افراد همسو با رویکرد خود انجام می‌دهد. این نهادها و نمایندگان آن‌ها نیز نخست به اقدام در جهت همسوسازی او با رویه‌ی کلی جامعه و در نهایت، سانسور او به دلیل ناهماهنگی با آنچه طبق معیارهای امر اجتماعی غیرمتعارف و تهدیدکننده‌ی نظم اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند؛ می‌پردازند.

در این نمایش سه پرده‌ای، مخاطب با قهرمان اثر یعنی جولیان^{۱۱} روبرو می‌شود که بنا به روایت خودش، در طول زندگی‌اش همواره در تلاش بوده باورهای فردی‌اش را از تأثیرات اجتماعی مصون نگاه بدارد. اما او در یک سناریوی از پیش طراحی شده، وارد بازی پیچیده‌ای در مقابل افرادی (دوشیزه آلیس، وکیل، پیشخدمت و کاردینال^{۱۵}) می‌شود که با تکیه بر قدرت نهادهای مدنی و مذهبی مأموریت می‌یابند باورها و ارزش‌های جدیدی را به جولیان بقبولانند و باورهای او را که دستاورهای معنوی زندگی‌اش هستند، دچار معنا‌باختگی کنند. تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار متن نمایشنامه براساس نظریه مید، به صورت مرحله به مرحله از طریق تعیین واحد معنا (گاه از طریق به‌کارگیری برش‌های از متن یا از طریق فشرده‌سازی داده‌های متنی مرتبط)، کدگذاری باز، کدگذاری محوری (زیرمقوله‌بندی)، ادغام محورها (مقوله‌سازی) و در نهایت جمع‌بندی مقولات و ساخت تم (مضمون) دنبال می‌شود. موارد ذکر شده در جدول شماره ۱ نشان داده شده‌است.

معنا‌باختگی
رویای امریکایی
در دو
نمایشنامه‌ی
آلیس کوچولو
و مرگ بسی
اسمیت از آثار
ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه
جورج هربرت
مید

آلیس کوچولو

واحد معنا با بهره‌گیری از داده‌های متنی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	ادغام محورها	تم (مضمون)
- دیالوگ آغازین بین کاردینال و وکیل که در بخش‌های قابل توجهی از آن هر دو یکدیگر را به پول‌پرستی، حرص‌ورزی و ریاکاری متهم می‌کنند.	مادی‌گرایی	سیستم کلان اجتماعی مروج مادی‌گرایی افراطی	بهره‌گیری جامعه از عوامل متعدد در راستای کنترل آرمان‌های مغایر با آموزه‌های اجتماعی	معنابخشی رویایی امریکایی از طریق سلب آزادی فرد در انتخاب شیوه منحصر به فرد تفکر و زندگی فردی و سوق دادن او به سمت توهم‌های جمعی
- وکیل فکر می‌کند مذهب سیستمی فاسد است و کاردینال فکر می‌کند قانون چیزی پر از فریب است. و در نهایت وکیل می‌گوید: ما هر دو دست‌پرورده‌ی یک مکتب هستیم.	ارائه‌ی آموزه‌های اجتماعی مشترک توسط سیستم کلان فاسد			
- استفاده از ایماژهای حیوانی در توصیف یکدیگر مانند: کفتار، خوک حریص، لاشخور	حرص و زیاده‌خواهی			
- اشاره وکیل به این مسئله که کارفرمایش دوشیزه آلیس مبلغ هنگفتی به کلیسا کمک می‌کند و منشی کاردینال (جولیان) از سوی او انتخاب شده تا کارهای مربوط به این انتقال را انجام دهد.	ارائه پیشنهادات مادی فریبنده			
- باور وکیل به استفاده‌ی کاردینال از زیردستانش برای افزودن به ثروت شخصی تحت نام کلیسا	بهره‌کشی و استفاده از زیردستان در راستای ارتقاء دارایی‌های فردی			
- اعتقاد وکیل به اینکه پول می‌تواند هر کاری بکند حتی زمین و آسمان را به هم برساند.	قدرت پول در جامعه‌ای امپریالیستی			
ابراز شگفتی جولیان در بدو ورود به عمارت دوشیزه آلیس از دیدن سازه مینیاتوری که تمام جزئیات عمارت در آن کپی شده‌است و ابراز بی‌اطلاعی وکیل و پیشنهاد خدمت درباره سازنده و جزئیات دیگر آن (ایماژ پرتکرار)	نمادهای تازه در موقعیت جدید	کنترل افراد از طریق بهره‌برداری نمادین جامعه از باورهای دینی آن‌ها و تفسیر ارزش‌های دینی آن‌ها در راستای تثبیت آموزه‌های خود		
- پرسش‌های بی‌در پی وکیل و پیشنهادت درباره شش سال از گذشته‌ی جولیان که اطلاعاتی از آن در دسترس نیست (داده متنی پرتکرار). حیرت جولیان از آگاهی کامل آن‌ها نسبت به گذشته او (جز آن شش سال) و پیشنهادت خانواده‌ی او	کنترل افراد			
- کنجکاوی آن‌ها در مورد جایگاه جولیان در کلیسا و توضیح او مبنی بر اینکه برای پرهیز از موقعیت‌های رسمی به جای کشیش برادر دینی بودن را برگزیده‌است. اشاره وکیل به اینکه جولیان تنها برادر دینی است که به جایگاه منشی ویژه کاردینال دست‌یافته است.	تمایل به دوری از ساختارهای سلسله مراتبی اجتماعی و در عین حال محافظت شدن به وسیله آن‌ها			
- تمسخر هدفمند کاردینال توسط وکیل برای برانگیختن جولیان و توصیه به جولیان که هرگز نماینده‌ی یک چیز را با آن چیز یکی مپندارد.	باور مسیحی به یکی دانستن امر کاردینال با امر کلیسا و خدا			
- توجه علت حضور جولیان، اینکه به‌خاطر اختلافات میان کاردینال و وکیل، جولیان به جای کاردینال برای انجام امور مربوط به این بخشش ثروت هنگفت به کلیسا انتخاب شده‌است.	مقاوم‌کردن			

			پذیرش بی‌چون و چرا	- پیشنهاد و کیل به جولیان: سرت را خم کن، گوش‌هایت را بگیر و هر آنچه را به تو گفته می‌شود انجام بده.
		تلاش نظام‌مند نیروهای اجتماعی دارای قدرت برای انقیاد آزادی فردی از طریق سایر کنشگران همسو با خود	عدم آزادی	- پرنده اسیر خواندن جولیان توسط وکیل و دوشیزه آلیس
			نقش‌بازی کردن براساس سناریویی ازپیش‌تعیین‌شده با اهداف خاص	- تاکید و کیل به آلیس که مطابق برنامه پیش برود. نباید تحت هیچ شرایطی برنامه‌ها را به هم بریزد، همان جوری رفتار کند که به او گفته می‌شود، نقشش را درست بازی کند، اینکه به حد کافی آموزش دیده و به اندازه کافی تمرین کرده که چطور باید رفتار کند. به‌کارگیری عباراتی مانند بازی، همبازی، برنامه... در صحبت‌های خصوصی
			تضاد میان واقعیت و آنچه به عنوان واقعیت ارائه می‌شود.	- صحبت‌های پیشخدمت (با آلیس و وکیل) مشخص می‌کند که او بازی‌گردان اصلی است. در جایی می‌گوید: بس کنید دیگر بچه‌ها! و باز در جای دیگر خطاب به وکیل: آلیس تیزهوش و فریبنده است... جولیان آلیس را برای مدت زیادی نخواهد داشت و یا جولیان در دستان خوب کسی گرفتار شده‌است؛ به وکیل می‌گوید تو همیشه کارت را خوب انجام می‌دهی فقط دقت کن؛ از وکیل می‌خواهد که کاردینال را نیز وارد بازی کند و همه چیز را راجع به برنامه‌شان به او بگوید، به وکیل آموزش می‌دهد از چه استدلال‌هایی در برابر جولیان استفاده کند؛ یکی از آن استدلال‌ها برای مثال: خدای واقعی هست اما قابل درک نیست. تو نمی‌توانی چیز غیرقابل درک را بپرستی. اما آلیس قابل درک است. امر انتزاعی را جسمانیت ببخش و محدود و کوچکش کن؛ بپذیر و خودت را آسوده کن؛ اینکه اگر بپذیرد که هیچ اگر نه از میان برش می‌داریم.
		تضاد میان رهیافت فردی با رهنمون اجتماعی	مقاومت برای حفظ باورهای فردی	- اعتماد جولیان به پیشخدمت و افشای راز آن شش سال؛ اینکه ایمانش را به خدا از دست داده بود و به شیوه خودخواسته در آسایشگاه بیماران روانی گوشه عزلت گزیده بود تا ایمانش را بازیافت.
		جهت‌گیری فردگرایانه و غیرهمسو با باورهای تعمیم‌یافته در جامعه	رویکرد غیرهمسو و فردگرایانه	- ادعای جولیان به اینکه نمی‌تواند با شکاف میان ماهیت خدا و استفاده‌ای که انسان‌ها از او می‌کنند کنار بیاید. خدای حرکت‌دهنده نه بازیچه، خدای سازنده نه ساخته اذهان انسان‌ها.

معناباختگی
روایای امریکایی
در دو
نمایشنامه‌ی
آلیس کوچولو
و مرگ بسی
اسمیت از آثار
ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه
جورج هربرت
مید

	به چالش کشیدن رویاهای فردی با ارائه رضایت‌مندی سطحی	واکنش ذهن در تفسیر موقعیت	- واکنش جولیان به رفاه افراطی که برای او فراهم‌شده با گفتن: من در عجیب! از آنچه برای من انجام می‌شود، انگار ... به نحوی درحال آزموده شدن - وسوسه شدنم، چرا دارم آزموده می‌شوم! ... و چرا وسوسه می‌شوم؟ با تجملات، با آسایش، با ... رضایت ... با چیزها. من می‌خواهم در این رابطه صحبت کنیم، اما پاسخ شفافی دریافت نمی‌کند.
		برداشت فردی از کامیابی و موفقیت	- صحبت‌های جولیان درباره جاه طلبی و بلندپروازی در رسیدن به نهایت خدمتگزاری، اطاعت، تواضع، رویای خدمت، شهادت، روز عروسی‌اش با آلیس را روز لطف پروردگار و ابزاری برای گردآوری ثروت عظیمی برای کلیسا برای کمک به دنیای در رنج می‌داند.
		ارائه‌ی تصویر خدای‌گونه با اشاره نمادین به ویژگی‌های خدا از جمله قدرت، شکوه، حاکمیت، گستردگی، زیبایی، احدیت و...	- تصویری که از دوشیزه آلیس ارائه می‌شود: معنای آلیس در لاتین یعنی حقیقت، باکره معشوقه پیشین پیشخدمت و معشوقه فعلی وکیل و اینکه قصد ازدواج با جولیان را دارد؛ دوستی ندارد، تحسین‌شونده و ستودنی؛ قدرتمند، ثروتمند، زیبا، در تمام این اتاق‌ها زندگی می‌کند؛ سیرهایی که تنها او بر آن‌ها تکیه می‌زند؛ اینکه دوست و اقوامی ندارد؛ اما گهگاه همراهانی دارد؛ و یک راز.
القاء تهمات مشترک اجتماعی از جامعه به فرد برای از بین بردن قدرت تشخیص توهم از واقعیت	به چالش کشیدن اعتقادات و آرمان‌های فردی	- بازی دوشیزه آلیس با اعتقادات و باورهای جولیان و ایجاد چالش‌هایی در ذهن جولیان نسبت به خدا، خدمت، شهادت، قداست، پرستش...	
	استفاده از وسیله برای توجیه هدف	- درخواست کاردینال از جولیان برای پذیرش پیشنهاد ازدواج دوشیزه آلیس و تکمیل خدمت به کلیسا و خدا از این طریق	
	بازی هماهنگ گروه در برابر فرد	- انجام ازدواج ساختگی، هدایت جولیان به کتابخانه یعنی محل قرار گرفتن سازه مینیاتوری، تنها گذاشتن او برای مدتی کوتاه، پیوستن تدریجی آن‌ها به او	
		تلاش برای تفسیر و تحلیل اجزاء در هم تنیده‌ی بافتار تعاملی	- تعجب جولیان از اینکه پیشخدمت ملحفه به دست وارد می‌شود و آن‌ها را روی اثاثیه پهن می‌کند. ابراز احساس تشویش جولیان و اینکه حس می‌کند گم شده؛ شرایط پیرامونی این ازدواج خیلی برایش مهم و عجیب بود؛ همه به یکباره ناپدید شدند، حتی همسرش. اینکه چرا دوشیزه آلیس هیچ دوستی دعوت نکرده‌بود؟
		تمایز بودن از سایرین	- واکنش پیشخدمت به او: افراد خاص مسائل خاصی!

			توهم در مقابل واقعیت	- دوشیزه آلیس به جولیان می گوید تو از طریق من با آلیس (مجسمه آلیس کوچولو) ازدواج کرده‌ای. روح تو به او پیوند زده شده است. به او خدمت کن؛ او را بپرست؛ نزد او بمان
			تفسیرهای گوناگون از یک مفهوم واحد	- اصرار کاردینال و سایرین برای پذیرش هر آنچه پیش خواهد آمد و مجاب کردن جولیان به پذیرش خدای قابل درک، دوشیزه آلیس و مجسمه آلیس کوچولوی نوی سازه میناتور. خدای قابل تصور، کوچک شده، قابل رویت...
			تحلیل باور اکثریت بر ذهن فرد	- بازی با ایماهای مربوط به شام آخر عیسی مسیح و قربانی کردن آلیس در محراب آلیس کوچولو پس از آنکه جولیان تسلیم خواست آن‌ها نشد.
			جایگزینی و تقلیل مفهوم خدمت معنوی با نمونه مادی آن	- اشاره و کتب به کاردینال که اگر جولیان این حقیقت ساختگی را نپذیرد ناچار به کشتن او هستند.
			انتقاد هدفمند رویکردها و باورهای غیرهمسو با اکثریت	- عجله‌ی آن‌ها برای رفتن و صحبت از اینکه افرادی پیش و پس از جولیان در این موقعیت قرار داده شده و خواهند شد.
			نسبی بودن معنای بسته به موقعیت	- توجیه کشتن جولیان به دست و کتب توسط کاردینال با استفاده از مفاهیمی مانند شهید، قدیس و قربانی شدن جولیان.
			اضمحلال فراگردهای ذهنی فرد توسط دیگران	- مونولوگ جولیان درحالی که غرق در خون روی صحنه رها شده و ذهنش بین خدای انتزاعی خودش و مجسمه آلیس کوچولو که مقابله است در نوسان است.

تفسیر یافته‌های حاصل از نمایشنامه آلیس کوچولو براساس نظریه مید

براساس نظریه مید، جولیان در جامعه‌ای زیست می‌کند که باور رویای امریکایی به عنوان یک الگوی فکری از پیش موجود در آن رواج داشته است. او نیز همچون بسیاری از شهروندان امریکایی این اجتماع، از آموزه‌ی رویای امریکایی تاثیر می‌پذیرد و این تاثیرپذیری را در عمل، از طریق انتخاب شیوه منحصر به فرد زندگی‌اش که می‌پندارد از طریق آن به کامیابی و موفقیت دست می‌یابد، منعکس می‌کند. او با آگاهی از مؤلفه‌های رویای امریکایی، خود را فردی آزاد می‌داند که می‌تواند فارق از هر قید و بندی به شیوه‌ای که می‌خواهد باورهای متافیزیکی‌اش را که در بسیاری موارد، در تعارض با چهارچوب ارزشی مادی‌گرای جامعه است محقق کند. اما رویکرد جولیان در جامعه‌ی مبتنی بر اصول سرمایه‌داری که به پول، ثروت و مادی‌گرایی مرکزیت خدای گونه داده است، نوعی جنبش تقابلی با امر اجتماعی حاکم بر جامعه و ترویج سبک زندگی نامتعارف تعبیر می‌شود؛ به این دلیل که افرادی که نماینده نهادهای دارای قدرت در اجتماع هستند موظف می‌شوند به شکل نامحسوس، رفتارهای او را زیر نظر گرفته و به موشکافی جزئیات مربوط به پیشینه‌ی او بپردازند. سپس او را در یک موقعیت کنشی نامتعارف قرار می‌دهند و از طریق واپس‌زدگی او در مراحل اجتماعی شدن (بازی و ایفای نقش و دیگری‌تعمیم‌یافته) به داده‌های مفهومی و نمادهای درونی شده در ذهن او دسترسی پیدا کرده و سپس از طریق دستکاری آن‌ها، واقعیت را با شکلی غریب برای او بازتفسیر، بازنامی، بازتعریف و بازتولید می‌کنند.

معنابخشی
رویای امریکایی
در دو
نمایشنامه‌ی
آلیس کوچولو
و مرگ بسی
اسمیت از آثار
ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه
جورج هربرت
مید

نکته دارای اهمیت این است که شخصیت‌های دیگر جز جولیان همگی نام‌های کارکردی دارند و اگر دوشیزه آلیس به نظر می‌رسد از این قاعده مستثنی است، به‌خاطر ابهام و ابهامی است که در انتخاب هدفمند این نام برای او وجود دارد. آلیس بازنمایی حقیقت است؛ بت‌واره‌ای است که در سایه نظام سرمایه‌داری جامعه‌ای مبتنی بر اقتصاد مصرفی در قالب دستیابی به ارزش‌های ملموس و قابل درکی مانند لذت، ثروت، تنوع‌پرستی، قدرت، رفاه، لاقیدی، ظاهرپرستی، ... ماهیتی نمادین می‌یابد. آلیس خدایی است که تقلیل یافته، از آسمان به زمین آمده و به قول وکیل و پیشخدمت خدایی قابل رؤیت و قابل درک است. او حتی از این هم فرارونده‌تر می‌شود و در حد یک مصنوع کوچک بی‌جان در یک دست‌سازه‌ی مینباتوری بازنمایی می‌شود. روشن است که ارزش‌های ماورایی و متافیزیکی که جولیان بدانها معتقد است، چالشی در سوق دادن افراد به سمت این مادی‌گرایی سطحی‌انگارانه است. دوشیزه آلیس و آلیس کوچولو توهمی هستند که جولیان ناچار است بنا به خواست جامعه بدان دچار شود تا از این طریق، قدرت تشخیص واقعیتی که ذهن پویا و تفسیرگر جولیان به‌دنبال آن است در نتیجه گرفتار شدن در تنش میان تداعی و تجسم از او سلب شود.

بنا بر نظریه‌ی مید، سایر شخصیت‌ها جز جولیان کاملاً تابع ارزش‌های تعمیم‌یافته‌ای هستند که در نظام سرمایه‌داری آمریکا به سان دیگری عمل می‌کند که در همه حال ملزم به انطباق اندیشه و عمل خود با معیارها و استانداردهای آن هستند. در این بین، خود جولیان تحت‌تأثیر من‌فاعلی که رویای آمریکایی را درونی کرده است، حاضر به پذیرش پنداشت بیرونی نمی‌شود و این عمل او به عنوان تقابل با الگوهای دیگری تعمیم‌یافته جامعه تفسیر شده و در نهایت به تصمیم برای سانسورکردن او منجر می‌شود. لحظات پیش از مرگ جولیان، تک‌گویی نسبتاً طولانی او درحالی‌که غرق در خون و تنها روی صحنه رها شده به نمایش گذاشته می‌شود که بر سرگشتگی و تحیر او از وضعیت فعلی خود و خلط‌شدگی مرزهای میان رهیافت خود با رهنون حاکم بر جامعه دلالت دارد. مونولوگ آخر، طبق نظر مید درواقع دیالوگ است میان جولیان و ذهن خودش و آخرین تلاش‌های او برای تفسیر وضعیت خود در دنیای ذهنی سرشار از نمادها، ایماژها و مفاهیم درهم‌آمیخته و نامتجانس. ذهن او با مفاهیمی دست و پنجه نرم می‌کند که معناگریز شده‌اند. نوسان ذهن او میان پذیرش درون‌داده‌های من‌فاعلی از یک سو و برون‌نهادهای من‌مفعولی از سوی دیگر بر توهم‌زدگی عمیق او دامن می‌زند و بر فرو رفتن او در وضعیتی معنا‌باخته که قادر به تشخیص واقعیت از توهم نیست؛ تاکید می‌کند. نمایش مرگ بسی اسمیت (۱۹۵۹) نیز نمایش سیاسی - اجتماعی دیگری از ادوارد آلبی است که ماجرای واقعی مرگ بسی اسمیت، تصنیف‌خوان سیاه‌پوست صاحب سبک و شناخته‌شده را روایت می‌کند. این ماجرای واقعی در دهه ۱۹۲۰ و در شهر ممفیس^{۱۶} از ایالت تنسی^{۱۷} که بسیار پایبند به اصول برده‌داری بود به وقوع پیوست. اما آلبی در دهه‌های بعد از ۱۹۵۰ او همزمان با اوج‌گیری جنبش‌های حقوق مدنی آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار آن را به نمایش درآورد تا بر استمرار الگوهای فکری و رفتاری نژادپرستانه و تداوم جنبش‌های حقوق مدنی اقلیت‌های نژادی برای کسب آزادی، برابری، حق زندگی توأم با کرامت انسانی تاکید کند. در این نمایشنامه دو بیمارستان مخصوص سفیدپوستان^{۱۸} در شهر ممفیس به دلیل ملاحظات نژادی از پذیرش بسی که در حادثه رانندگی به شدت مجروح شده‌بود، سر باز زده و این عمل آن‌ها منجر به مرگ او می‌شود. بسی زن سیاه‌پوستی بود که رویاهای متحورانه‌ای در سر داشت و برای رسیدن به آن‌ها تلاش بسیاری کرد اما با وجود دستیابی به شهرت و محبوبیت اجتماعی فراوان، همچنان از سوی اکثریت سفیدپوست جامعه نادیده انگاشته‌شد. هر چند در نگاه

Archive of SID

نخست به نظر می‌رسد که جامعه امریکا بستر لازم برای آزادی فرد در دنبال کردن رویاهایش برای دستیابی به پیشرفت و موفقیت فراهم می‌کند اما آلبی در این اثر نمایشی با نگاهی انتقادی به تبعیض نهادینه‌شده از سوی اجتماع در اعطای آزادی حق داشتن رویای امریکایی برای همه‌ی شهروندان امریکا فارق از رنگ‌پوست و نژاد می‌نگرد. معنا باختگی رویای امریکا در این اثر نمایشی از این جهت که امریکایی‌های غیرسفیدپوست به اندازه‌ی سفیدپوستان آزادی، برابری، حق انتخاب، کرامت انسانی ندارند به شکل زیر از داده‌های متنی استخراج شده‌است.

معنا باختگی
رویای امریکایی
در دو
نمایشنامه‌ی
آلیس کوچولو
و مرگ بسی
اسمیت از آثار
ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه
جورج هربرت
مید

جدول شماره ۲. واحد معنا، کدگذاری باز، کدگذاری محوری، تلفیق مقوله‌ها، تم (مضمون) در نمایشنامه مرگ بسی اسمیت

واحد معنا یا بهره‌گیری از داده‌های متنی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	ادغام محورها	تم (مضمون)
- بسی آزاد مثل یک پرنده است.	آزادی	رویای امریکایی پیشرفت و موفقیت برای همه فارغ از رنگ و نژاد	اعتقاد عمل‌گرایانه به رویای امریکایی و کنشگری فعال در برابر موانع و سختی‌ها	مناباختگی رویای امریکایی آزادی، برابری و گرامت انسانی برای همه صرف نظر از نژاد و رنگ و کنشگری فعال در راستای احیای رویای امریکایی
- بسی خواننده سلبریتی است.	شهرت			
- بسی ثروتمند است.	ثروت			
- بسی برای اجرای کنسرت قصد سفر به نیویورک دارد.	محبوبیت			
- بی‌توجهی انترن به دیدگاه‌های مادی‌گرایانه‌ی پرستار که مرتباً بی‌پولی او را به رخ می‌کشد و بدین وسیله او را فردی بی‌اعتبار می‌خواند.	سنجش موفقیت و پیشرفت با معیارهای مادی	اعتراض به نابرابری‌های اجتماعی		
- اظهارات لیبرالیستی انترن در حمایت از آزادی‌خواهان	آزادی‌خواهی			
- برخورد محترمانه و انسانی انترن با نطفانچی سفیدپوست	تحول خواهی			
- توجه انترن به استیصال چک برای دریافت کمک	دریافت‌ها و آگاهی فردی مستقل			
- بی‌اعتنایی انترن به تهدیدهای پرستار که در صورت کمک به بیمار سیاه‌پوست او را اخراج خواهند کرد.	تهدید شغلی			
- بوسیده‌خواندن چهارچوب‌های اعتقادی پدر آریستوکرات پرستار توسط انترن	ناکارآمدی ساختارهای آریستوکراسی			
- واکنش تند پدر پرستار به اینکه دخترش به موسیقی سیاه‌پوستان گوش می‌دهد و تمسخر سیاه‌پوستان توسط او	انتقال آموزه نفرت نژادی از دیگری مهم به فرد	انتمکاس ارزش‌های سطحی حاکم بر جامعه سفیدپوستان مانند تظاهر، خودبزرگ‌بینی، نژادپرستی و انتقال این الگوهای رفتاری از جامعه به والدین و از والدین به فرزندان	ساختار سیاسی - اجتماعی مروج ارزش‌های فرهنگی معایر با رویای امریکایی اصیل	
- پرستار با پدرش می‌گوید می‌خواهی بری کلوب دموکرات‌ها و بشینی کنار به مشت لاف‌زن و ادای سیاست مدارا رو در بیاری. حرف‌های گنده بزنی. وانمود کنی چیزی بیش از این هستی. سیگاری شبیه به مارکی که شهردار می‌کشد دود کنی.	الگوپذیری از اجتماعات و گروه‌های سیاسی - اجتماعی، تظاهر و دور شدن از خود حقیقی			
- اشاره نطفانچی به فریاد شهردار بستری بر سر او برای ترک اتاقش	رفتار نژادپرستانه‌ی مقام مدنی			
- پرستار به نطفانچی می‌گوید تو حق صحبت کردن با شهردار را نداری.	ندانستن حقوق شهروندی مشابه سفیدپوستان			
- تحقیر رویای نطفانچی برای داشتن شغل رده بالاتر توسط پرستار و مناسب دانستن همین شغل برای او ...	تمیض در پروراندن رویاهای متحورانه‌ی فردی براساس نژاد و رنگ			
- طعنه و استهزاء نطفانچی توسط پرستار برای علاقه‌اش به ادامه تحصیل	محروریت از تحصیلات عالی به‌خاطر ملاحظات نژادی			
- تحقیر رنگ‌پوست نطفانچی توسط پرستار با گفتن این جمله که شب برو روی تت مایع سفیدکننده بریز.	شغل به عنوان اهرم فشار			
- هشدار پرستار به اخراج در صورت هرگونه اعتراض				
- دیالوگ مشابه میان چک و دو پرستار در دو بیمارستان مخصوص سفیدپوستان، استاد دو پرستار بر وجود قوانین ایالتی در نپذیرفتن بیماران سیاه‌پوست را نشان می‌دهد.	استناد به قانون برای القاء توهم اجتماعی کهنتری و برتری	رفتار در سطح خرد انتمکاس سیستم‌های ارزش‌گذاری کلان اجتماعی		
- بی‌توجهی اولیه و سپس تحقیر چک با تکرار عبارت کاکاسیاه و در نهایت تهدید او به فراخواندن پلیس	الگوی نژادپرستی در ارائه خدمات عمومی			
- بی‌توجهی آن‌ها به وضعیت وخیم بیماری که چک خواهند کمک‌رساندن به او بود.	محروریت سیاه‌پوستان از خدمات اجتماعی			

تفسیر یافته‌های حاصل از نمایشنامه مرگ بسی اسمیت براساس نظریه‌ی مید

مطابق با نظریه مید، یک فرد صرف نظر از نژادش، از بدو تولد خود ندارد و آگاهی او از خودش در اثر ارتباطات اجتماعی‌اش با دیگران در طول مراحل اجتماعی‌شدنش توسعه می‌یابد. نوع نگاه نابرابر فرد به دیگری، خصوصاً زمانی که از نژاد نامتجانس با او باشد، عاملی از پیش موجود در ذهن یک کنشگر نیست بلکه پیدایش آن به ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه‌ای بازمی‌گردد که ساخت فکری و الگوهای ارزشی فرد در بستر آن شکل می‌گیرد. در نمایش **مرگ بسی اسمیت**، بستر کنشی که برای سفیدپوستان و سیاه‌پوستان وجود دارد جامعه‌ی امریکاست که به‌صورت تاریخی با الگوهای فرهنگی مرتبط با برده‌داری اجین بوده؛ به این ترتیب که از ابتدا با مستحکم‌شدن پایه‌های حکومت اروپاییان مهاجر به سرزمین جدید، برده‌داری نیز توسط آن‌ها به عنوان یکی از ارکان اساسی جامعه نوین پایه‌گذاری شد (گراف، ۲۰۱۶: ۲۵۱). با در نظر گرفتن اینکه بر طبق نظریه‌ی مید جامعه به مثابه‌ی فرایند اجتماعی مستمر و از پیش موجودی است که ذهن و خود وجودی کنشگران در آن تکامل می‌یابد، می‌توان گفت در نتیجه‌ی رویکرد سیستمی حاکم بر چنین جامعه‌ای، حقوق اجتماعی سیاهان با ارائه‌ی الگوهای رفتاری که از سوی جامعه در میان افراد تشکیل‌دهنده‌ی آن تبیین می‌شود، به عنوان یک الگوی اجتماعی، مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. نمونه‌هایی از برساخت ناشی از این رویکرد نظام‌مند اجتماع در نادیده‌انگاری و به حاشیه‌راندن سیاهان را در مجموعه قوانینی که در ۱۸۶۰ و پس از جنگ داخلی امریکا تصویب شد و همچنین در مجموعه قوانین ایالتی و حتی ملی که در دوره‌ی جیم کرو^{۱۹} (۱۸۹۰-۱۸۴۰) برای تفکیک و جداسازی تمام مکان‌های عمومی سفیدپوستان از سیاه‌پوستان انجام می‌شد می‌توان به وضوح دید (برندلاوا، ۲۰۱۳). مسئله تفکیک مکانی در اختصاص یافتن بیمارستان‌های مخصوص سفیدپوستان که در این نمایش بدان پرداخته‌شده نمونه‌ی عینی چنین قانونی است.

با تأمل در رفتار شخصیت‌های سفیدپوست اثر (یعنی پرستار اول، پدرش، شهردار، پرستار دوم) می‌توان دریافت که همگی از ابتدای فراگرد اجتماعی شدنشان تحت تأثیر آموزه نادیده‌انگاری سیاهان که یک الگوی رفتاری نهادینه‌شده‌ی جمعی در میان جامعه سفیدپوستان بود، قرار گرفته‌اند. نگرش‌های فردی آن‌ها به مسئله‌ی نژادپرستی متأثر از رویکرد نظام معنایی و گفتمان غالب و سرکوب‌گر جامعه‌ی سفیدپوستان است که صدا یا مقاومت سیاه‌پوستان را به عنوان شورش، اعتراض و اغتشاش تفسیر می‌کنند. این نوع از آگاهی دستکاری‌شده که به‌صورت محتوای ذهنی شخصیت‌های سفیدپوست درآمده، در رفتار و کنش مشترک آن‌ها با سیاه‌پوستان بازنموده می‌شود. گویی در دنیای ذهنی آن‌ها رنگ‌پوست سیاه به نمادی تبدیل شده که به عنوان محمل معنی دلالت بر جایگاه اجتماعی فرعی، حاشیه‌ای، فرودست، فروکاهنده و نخوهندگی دارد. بر همین اساس مثال‌های متعددی از این الگوی اجتماعی در نمایش ذکر شده‌است که برجسته‌ترین آن‌ها عبارتند از اینکه پدر پرستار که یک آریستوکرات متعصب با نفرت نژادی شدید نسبت به سیاه‌پوستان است با انتقاد تند از دخترش که به موسیقی سیاه‌پوستان گوش می‌دهد وجود این واقعیت اجتماعی را بازنمایی کرده و به نوبه‌ی خود به عنوان دیگری مهم دخترش به ترویج و انتقال آن به نسل بعد اقدام می‌کند. نمونه‌ی دیگر رفتار شهردار بستری شده با نظافتچی سیاه‌پوست است که با رفتار و کلمات تحقیرآمیز از او می‌خواهد اتاقش را ترک کند. همچنین هر دو پرستار با دیدن جک که سراسیمه برای دریافت کمک برای بسی به آن‌ها مراجعه می‌کند از الفاظ تحقیرآمیز نژادی استفاده می‌کنند و او را تهدید به فراخواندن پلیس می‌کنند. در سوی دیگر این ماجرا بسی است که با وجود شهرت

معناباختگی
رویای امریکایی
در دو
نمایشنامه‌ی
آلیس کوچولو
و مرگ بسی
اسمیت از آثار
ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه
جورج هربرت
مید

بسیار به خاطر محدودیت‌های اجتماعی، سیاسی و مدنی که به دلیل سیاه‌پوست بودنش با آن‌ها مواجه بوده، شانس برای دریافت کمک از دو بیمارستان مخصوص سفیدان و در نهایت زنده ماندن ندارد.

بر اساس نظریه مید، شخصیت‌های سفیدپوست جز انترن، تحت کنترل من‌مفعولی خود هستند که عامل هماهنگ‌کننده دنیای درونی آن‌ها با محیط اجتماعی پیرامونی‌شان است و رفتار آن‌ها نیز برآیند این نوع انطباق است. رفتار در سطح خرد هر کدام از آن‌ها بازتابی از سیستم ارزش‌گذاری کلان اجتماعی است. در این میان، انترن رویکرد مغایر با اکثریت سفیدپوستی دارد که به لحاظ نژادی جزء آن محسوب می‌شود. او نگاه بدبینانه و ناامیدانه‌ای نسبت به واقعیت‌ها و نمودهای جامعه سرمایه‌داری دارد و فکر می‌کند برتری نژادی سفیدپوستان در طول زمان تنها بازتولید شده و اصالت ندارد. از این رو، همواره با نطفه‌چینی برخوردی انسانی و مؤدبانه دارد و با وجود هشدار پرستار به اخراج، او باز هم برای کمک به جک و بسی می‌شتابد. اقدامات او را می‌توان ارائه‌ی یک پایان‌بندی رستخیزوارانه از سوی نویسنده دانست. گویی یگانه راه حلی که نویسنده برای معضل اجتماعی تبعیض نژادی می‌بیند اعتراض در اشکال مختلف است. او اعتراض را به عنوان مهم‌ترین ابزار برای رفع انسداد از فضای مفهومی جامعه در زمانه‌ی می‌داند که فقدان مجراهای گفت‌وگوی متقابل و فقدان بازنمایی موثر از نتایج مخرب پدیده اجتماعی نژادپرستی وجود دارد. کنشگری انترن افق امید برای شکل‌گیری دریافت‌های آگاهانه فردی و یا به تعبیر مید سربرآوردن نیروی تحول خواه من‌فاعلی و گسترش تدریجی آن به توده‌های اجتماع را روشن می‌کند. تعبیر مید از توانایی تغییر جهان اجتماعی از سوی کنشگر با تکیه بر نیروی من‌فاعلی او نقطه آغاز موجی است که از یک کنشگر به کنشگران دیگر منتقل می‌شود و موجب پیدایش تغییر در ساختار سیاسی - اجتماعی می‌شود که پیشرفت، قدرت و موفقیت را از طریق استعمار و کنترل همه جانبه اقلیت‌های نژادی جست‌وجو می‌کند. نادیده‌انگاری موجب می‌شود این اقلیت نه تنها با خشونت فیزیکی بلکه با خشونت معرفتی نیز از سوی جامعه و نیروهای اجتماعی، نهادها، گروه‌ها و افراد وابسته به آن مواجه شوند. نمایش بر لزوم گسترش جنبش‌های آزادی‌خواهی در سطح فردی، توده‌ای و به تدریج در سطوح کلان‌تر در راستای گریز از شکل معنابخسته‌ی رویای امریکایی که متعلق به یک گروه خاص است و دستیابی به آزادی برای همه که زمینه را برای پروراندن رویای امریکایی برای همه فارق از رنگ و نژاد فراهم می‌کند، تأکید می‌کند. آلبی از طریق این نمایشنامه به بت‌وارگی بسیاری از آموزه‌ها و الگوهای حاکم بر جامعه‌ی سرمایه‌داری امریکا و لزوم ایجاد تغییرات بنیادین در آن‌ها به منظور دستیابی به آموزه‌های انسانی‌تر و کارآمدتر در برقراری تعاملات میان افراد می‌نگرد.

با مقایسه‌ی مجموعه‌ی مقولات و تم‌ها در دو نمایشنامه و با تأمل در مشابهت و تفاوت‌های درون‌متنی و بینامتنی مشخص می‌شود که نمایش **مرگ بسی اسمیت** نیز مانند نمایش **آلیس کوچولو** بر نمونه‌هایی از تقابل‌های فردی با نیروی‌های فکری حاکم اجتماعی و باورهای القاء شده از سوی دیگری تعمیم‌یافته جامعه متمرکز شده‌است. در **مرگ بسی اسمیت** تقابل در رویامندی نطفه‌چینی، حرکت فعال بسی در دنبال کردن رویاهای بزرگ خود، تلاش جک برای برهم زدن قوانین حاکم نژادی و در نهایت پشت‌کردن انترن به باورها و الگوهای رفتاری که دیگر بدان‌ها معتقد نبود، دیده شد. پایان‌بندی این اثر نیز بر این نکته تأکید ورزید که قهرمان‌های آرمان‌گرای این اثر آلبی نیز مانند جولیان در **آلیس کوچولو** تا یک جایی از الگوهای دیگری تعمیم‌یافته‌ی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند تأثیر پذیرفتند اما در

Archive of SID

مرحله‌ای که خود فرد با تکیه بر من‌فاعلی تحوّل خواه بروز کرد، تغییر رفتار دادند که این امر هرچند منجر به تغییر ساختار در سطح کلان نشد اما بر کنشگری فعال آن‌ها و حرکت‌شان به سوی مقابله با شکل معناباخته رویای امریکایی اذعان کرد. پرسوناژ آرمان‌گرای آلینس کوچولو و پرسوناژهای تحول‌خواه مرگ بسی اسمیت برخلاف خیل افرادی که باورهایشان با دستکاری دیگری تعمیم‌یافته‌ی جامعه دچار اضمحلال شده، به موضع‌گیری آگاهانه و انفعالی خود در مقابل شکل معناباخته رویای امریکایی ادامه می‌دهند. به‌طور کلی می‌توان گفت مخاطب در هر دو نمایشنامه شاهد صف‌آرایی دو گروه شخصیت با دیدگاه‌های تقابلی در مقابل یکدیگر بود. آن‌ها که پیرو باورهای رویای امریکایی با تکیه بر نیروی انفعالی من‌فاعلی خود بودند به تقابل با باورهای القاء‌شده توسط دیگری تعمیم‌یافته‌ی جامعه برخاستند. ذهن و خود این کنشگران، فعال، پویا و در حال تکامل است. آن‌ها در تقابل فرساینده با پرسوناژهایی بودند که به شکل معناباخته‌ای از رویای امریکایی باور داشتند. این کاراکترها که باورهای ذهنی و الگوهای رفتاری‌شان بر طبق شکل معناباخته‌ی رویای امریکایی ساختاربندی شده‌است از درون تحت انقیاد من‌مفعولی‌شان درآمده‌اند و بدین دلیل کاملاً تابع آموزه‌های دیگری تعمیم‌یافته جامعه شده‌اند. قصد آلبی از نشان‌دادن مداخله‌ی پیدا و پنهان نهادها، مراکز و عوامل اجتماعی تاکید ویژه‌ی او بر دو مسئله بود: (۱) اقدام همه‌جانبه‌ی نیروهای جامعه در کنترل نیروهای بالقوه‌ی فردی و (۲) مانع تراشی آن از گسترش تحرکات تقابلی و جنبش‌های خردی که احتمال دارد در اثر روابط متقابل به توده‌ها سرایت کند. در چنین شرایطی اهتمام برای کسب تجربه اصیل فردی و آگاهی مستقل در اصطکاک با تلاش دیگری تعمیم‌یافته‌ای دیده می‌شود که به دنبال دامن‌زدن به توهمات مشترک در بین کنشگران فعال اجتماعی است. موقعیت کنشی نیز در هر دو نمایش دلالت بر هجمه‌ی بی‌امان جامعه برای باورسازی جمعی و انقیاد آگاهی شخصیت‌ها دارد. هرچند نمایشنامه‌ی آلینس کوچولو به شکل توأمان هم بر بعد اجتماعی عدم آزادی حقیقی فرد در انتخاب باورهایش تاکید داشت و هم نگاه عمیق‌تری بر معناباختگی رویای امریکایی در عقیم‌سازی باورهای درونی فرد و همچنین عواقب تهی‌شدگی او از فردیتش ارائه کرد.

معناباختگی
رویای امریکایی
در دو
نمایشنامه‌ی
آلینس کوچولو
و مرگ بسی
اسمیت از آثار
ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه
جورج هربرت
مید

این مقاله به معنا‌باختگی رویای امریکایی در دو نمایشنامه‌ی *آلیس کوچولو* و *مرگ بسی اسمیت* از آثار نمایشی ادوارد آلبی با تکیه بر نظریه‌ی جورج هربرت مید با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت دار پرداخت. سوالات تحقیق عبارت بودند از: معنا‌باختگی رویای امریکایی در دو نمایشنامه‌ی *آلیس کوچولو* و *مرگ بسی اسمیت* از آثار نمایشی ادوارد آلبی چگونه اتفاق می‌افتد؟ و چه تاثیراتی بر آگاهی فرد دارد؟ نخست طبق تعریف جیمز تراسلو آدامز، بارزترین مؤلفه‌های رویای امریکایی یعنی آزادی، برابری، حق انتخاب، کرامت انسانی مشخص شد و سپس با ارجاع به متن نمایشنامه‌ها، داده‌های متنی مرتبط با موضوع و هدف تحقیق به صورت هدفمند انتخاب شد. پس از آن، واحد معنا از طریق فشرده‌سازی داده‌های متنی تعیین شد. در مراحل بعد، کدگذاری باز، کدگذاری محوری (زیرمقوله‌بندی)، ادغام محورها (مقوله‌سازی) و در نهایت جمع‌بندی مقولات و ساخت تم (مضمون) با تکیه بر نظریه‌ی مید انجام شد. با اتکا به نظریه‌ی مید، مسائل گوناگون معنا‌باختگی رویای امریکایی با استناد به تجربه‌های زندگی شخصیت‌ها، نقش‌های اجتماعی، تجربه‌های فردی و نسبت‌های ذهنی و نسبت بین افراد و سطح درک آن‌ها، در جهت بازتعریف رفتارها، آداب، نیت‌مندی کنش‌ها، تجارب روزمره و بازنمایی هویت‌ها در راستای درک رویای امریکایی و شکل معنا‌باخته‌ی آن بررسی شد. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود معنا‌باختگی رویای امریکایی در هر دو نمایش، نقش جامعه به عنوان دیگری تعمیم‌یافته در پیدایش معنا‌باختگی از طریق سلب آزادی افراد در انتخاب شیوه‌ی تفکر و زندگی، سوق دادن آن‌ها به سوی توهم‌های جمعی و از بین بردن کنشگری فعال آن‌ها بود. با استناد به یافته‌ها، هر دو فرضیه‌ی تحقیق مبنی بر اینکه قوانین و الگوهای دیگری تعمیم‌یافته نظام اجتماعی جامعه امریکا در رواج وضعیت معنا‌باخته‌ی رویای امریکایی در دو نمایشنامه‌ی ذکر شده، تاثیر مثبت و مستقیمی دارند و اینکه معنا‌باختگی رویای امریکایی در نگرش‌های شخصیت‌ها تاثیرات مخربی بر جای می‌گذارد، تأیید شدند. براساس یافته‌ها، مهم‌ترین تاثیر مخرب معنا‌باختگی رویای امریکایی، توهم‌زدگی افراد و تحت انقیاد در آوردن اراده و نیروی اندیشه آن‌ها بود تا از این طریق، کنشگری آگاهانه و اصطکاک‌شان با امر اجتماعی نظام سرمایه‌داری به حداقل برسد.

با توجه به سوالات مطرح‌شده، بررسی این دو نمایشنامه و با ارجاع به یافته‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که معنا‌باختگی رویای امریکایی در هر دو نمایشنامه به صورت یک درون‌مایه وجود داشت. همچنین تاثیر دیگری تعمیم‌یافته در معنا‌باختگی رویای امریکایی از طریق دستکاری آگاهی شخصیت‌ها، درون‌نهاد دریافت‌ها و محتویات ذهنی و در نهایت کنترل ادراک آن‌ها انجام شد. یافته‌های به دست از تحلیل هر دو نمایشنامه ذکر شده، با رویکرد مید درباره‌ی تاثیر دیگری تعمیم‌یافته بر ذهن فرد از یک سو و نقش فعال ذهن کنشگر در بازتفسیر و بازاندیشی روی آموزه‌های تبیین شده توسط دیگری تعمیم‌یافته از سوی دیگر همسو بود. آلبی در هر دو نمایش به شکل انتقادی به شیوه‌ای که جامعه‌ی امریکا با ارائه‌ی شکل معنا‌باخته‌ای از رویای امریکایی به خود اجتماعی افراد شکل و جهت می‌دهد و آن‌ها را از فردیت‌شان تهی می‌کند، پرداخت. عطف به نظریه‌ی جورج هربرت مید روشن شد که جامعه این کار را در راستای کنترل ذهن و رفتار شخصیت‌ها از طریق یکسان‌سازی فرایند تفکر در آن‌ها و ترغیب‌شان به داشتن باورهای کمابیش ثابت و مشابه انجام می‌داد. همچنین نقش جامعه در سترو کردن توانایی ذهنی افراد در تشخیص واقعیت از بازنمایی غیرواقعی و ساختگی از واقعیت نیز نشان داده شد. از خلال مطالعه‌ی این دو نمایشنامه استنباط شد

Archive of SID

که هر چند در ظاهر سازوکار جامعه امریکا ترویج ارزش‌های فردگرایانه است اما در عمل آموزه‌هایی که از طریق دیگری تعمیم‌یافته‌ی خود ارائه می‌دهد به کنترل ذهن و توسعه‌ی یک خود قابل پیش‌بینی در اشخاص می‌انجامد و این امری است که آلبی در نمایشنامه‌های خود به تندی از آن انتقاد می‌کند. نتیجه نهایی اینکه جامعه با بهره‌گیری از عوامل متعددی مانند قدرت نهادهای اجتماعی تحت کنترل خود، همچنین روابط میان کنشگران و با استفاده از عواملی که برخی از آن‌ها در این دو اثر نمایشی دیده شد از جمله: تمایلات سیری‌ناپذیر امریکایی‌ها برای رفاه، حرص و ورزی آن‌ها در برخورداری از لذت‌های مادی، قدرت تباه‌کننده‌ی مادی‌گرایی، مصرف‌گرایی افراطی و رضایت‌مندی سطحی نسبت به زندگی، قدرت‌خواهی، تبعیض و اقلیت‌ستیزی، جنسیت‌زدگی، تبیین و ترویج استانداردها و الگوهای اخلاقی نوبنیان و سطحی به دستکاری ادراک و آگاهی افراد می‌پردازد.

معناباختگی
رویای امریکایی
در دو
نمایشنامه‌ی
آلیس کوچولو
و مرگ بسی
اسمیت از آثار
ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه
جورج هربرت
مید

- آریانپور، امیرحسین. (۱۳۵۳) زمینه‌ی جامعه‌شناسی، چاپ هفتم، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶) نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ چهارم، تهران، سروش
- امیدعلی، میثم. (۱۳۹۳) جورج هربرت مید، تهران، پژوهشکده باقرالعلوم
- ترنر، جانانان اچ. (۱۳۹۴) نظریه‌های نوین جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی علی اصغر مقدس و مریم سروش، تهران، نشر جامعه‌شناسان
- تنهایی، حسین ابوالحسن. (۱۳۷۷) درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ سوم، گناباد، نشر مرندیز
- دوچ، مورتون؛ کراوس، روبرت. (۱۳۷۴) نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی مرتضی کتبی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- دیلینی، تیم. (۱۳۹۱) نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی بهرنگ صدیقی و وحیدطلوعی، چاپ ششم، تهران، نشر نی
- رتیال، ل. و همکاران. (۱۳۶۶) زمینه‌ی روان‌شناسی، ترجمه‌ی محمدتقی براهنی و دیگران، جلد اول، تهران، نشر رشد
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محمدصادق مهدوی و همکاران، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۷) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران، علمی
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۳) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی هوشنگ ناییب، تهران، نشر نی
- صانعی، پرویز. (۱۳۷۲) جامعه‌شناسی ارزش‌ها، تهران، گنج دانش
- کوزر، لوئیس. (۱۳۷۳) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات علمی
- کوئن، بروس. (۱۳۸۰). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ دوازدهم، تهران، سمت
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۵) مفاهیم بنیادی در مطالعات قومی، چاپ اول، تهران، تمدن ایران
- فیض‌الله‌نژاد، داریوش. (۱۳۸۷) رویاهای اخلاقی: سنت نمایشنامه اخلاقی در سه اثر از ادوارد آلبی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه شیراز
- گولد، جولیسوس؛ کولب، ویلیام. (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی مترجمان کیا و دیگران، چاپ اول، تهران، مازیار
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، چاپ پنجم، تهران، نشر نی، چاپ پنجم
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۶) آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تهران، نشر نی

مقالات

- سلطانی، مهدی و پارسانیا، حمید. (۱۳۹۵) بازخوانی انتقادی عمل‌گرایی اجتماعی جورج هربرت مید بر مبنای حکمت متعالیه، مجله‌ی علمی - پژوهشی دین و سیاست فرهنگی،

- عبدوس، فاطمه؛ احمدیان، ناهید. (۱۳۹۵) بررسی جامعه‌شناختی «کنش مشترک» از منظر تعامل‌گرایی نمادین هربرت بلومر در نمایشنامه تاریخی - سیاسی فنشن نوشته‌ی دیوید هر، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی تئاتر، شماره ۶۵، از ۳۰-۵۰

- قانع‌راد، سیدمحمدامین. (۱۳۹۲) جورج هربرت مید، پست‌مدرنی در آغاز راه، در ماهنامه کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۶۲ (پیاپی ۱۶۴)، اردیبهشت

- مهدوی، محمدصادق. (۱۳۷۸) مقدمه‌ای بر مکتب کنش متقابل نمادین، شناخت، بهار و تابستان، شماره ۲۱

- Adams, James T. (1931) **The Epic of America**, 2nd ed., New York, Greenwood Press

- Albee, Edward. (2007) **The Collected Plays of Edward Albee: Vol. 1: Tiny Alice**, New York, Overlook Duckworth

- Albee, Edward. (2007) **The Collected Plays of Edward Albee: Vol. 1: The Death of Bessie Smith**, New York, Overlook Duckworth

- Blumer, Herbert. (1969) **Symbolic Interactionism; Perspective and Method**, N.J., Prentice-Hall

- Bottoms, Stephen ed. (2005) **The Cambridge Companion to Edward Albee**, Cambridge, Cambridge University Press

- Brendlova, Maritina. (2013) African-American issues in mid-20th century America as repressed in the Death of Bessie Smith, **Unpublished Bachelor Thesis**, Pardubice, University of Pardubice

- Feldman, R.S, 1986, **The Social Psychology of Education**, Cambridge, Syndicate of the University of Cambridge

- Franks, David D. (2007) Mind inn George Ritzer ed., **The Blackwell Encyclopedia of Sociology**, Oxford, Blackwell

- Graff, Gilda. (2016) Post-Civil War African American History: Brief Periods of Triumph, and then Despair, **The Journal of Psychohistory**, Vol. 43, No. 4, 247-261

- Mead, George H. (1934) **Mind, Self, and Society**, Edition 1, Chicago, Chicago University Press

- Miller, David. (1982) **Introduction in G.H. Mead. The Individual and the Social Self: Unpublished Work of George Herbert Mead**, Chicago, University of Chicago Press

- Ritzer, George. (2011) **Social Theory**, Edition 8, New York, Mc Grew Hill

- Sears, D. O. et.al. (1988) **Social Psychology**, N.J., Prentice-Hall Inc

- Subberwal, Ranjana (2009) **Dictionary of Sociology**, New Delhi, McGraw-Hill Companies

- Werchel, S and Shebilske, W. (1988) **Psychology: Principal and Application**, N.J., Printice-Hall Inc

معناباختگی
روایای امریکایی
در دو
نمایشنامه‌ی
آلیس کوچولو
و مرگ بسی
اسمیت از آثار
ادوارد آلبی
با تکیه بر نظریه
جورج هربرت
مید

- 1- Deformation of the American Dream
- 2- Tiny Alice
- 3- The Death of Bessie Smith
- 4- Counterculture
- 5- Directed Content Analysis
- 6- George Herbert Mead
- 7- Consciousness
- 8- Self
- 9- I
- 10- Me
- 11- play
- 12- Game
- 13- Generalized other
- 14- Julian
- 15- Miss Alice, Lawyer, Butler, Cardinal
- 16- Memphis
- 17- Tennessee
- 18- White only hospitals
- 19- Jim Crow Laws (1876-1965)